

تربیت

نشریه انجمن علمی علوم تربیتی دانشگاه محقق اردبیلی
شماره اول دی ماه ۱۳۹۶

خلایقت	این شماره
انجمن علمی علوم تربیتی	صاحب امتیاز
فاطمه کریمی	مدیر مسئول
مژده نادری	سر دبیر
فاطمه کریمی	طراح جلد و صفحه آرا
سعیده هژبری	ویراستار
گلناج شریف نیا	تایپست
فاطمه پناهی	

با تشکر ویژه از:

دکتر مسعود مرادی (مدیر گروه رشته علوم تربیتی)
دکتر علی رضایی شریف (استاد راهنما انجمن علمی علوم تربیتی)
دکتر تقی اکبری (استاد دانشگاه محقق اردبیلی)
دکتر حامد صفایی پور (استاد دانشگاه اصفهان)
آقای سید محمد سیدگلان (دانشجوی دکتری)



انجمن علمی علوم تربیتی دانشگاه محقق اردبیلی:

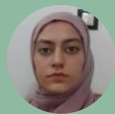
گلناج شریف نیا
دبیر انجمن



فاطمه پناهی
نائب دبیر



سعیده هژبری
مسئول کارگاه های آموزشی



مژده نادری
سر دبیر نشریه



فاطمه کریمی
مدیر مسئول نشریه



فهرست

- سخن سردبیر..... ۱
- فعالیت طراحی برای پرورش خلاقیت..... ۲
- روش‌های پاسخ‌دهی پرسش‌های کودکان..... ۵
- سازمان خلق..... ۵
- اندیشمندان خلق در ۱۸ سالگی چه می‌کنند؟..... ۶
- بعضی از قوانین تقویت خلاقیت در کودکان..... ۸
- اقلیت خلق..... ۱۰
- فشار ایده‌ی اول..... ۱۱
- قصه و خلاقیت..... ۱۱
- معمای خلاقیت (تفکر جانبی)..... ۱۲
- پیش‌بایسته‌های خودکارآمدی خلق و رفتار نوآورانه..... ۱۴
- قوانین پنجگانه‌ی سلامت کودک..... ۱۵
- پرورش خلاقیت در کودکان..... ۱۶
- قاتلین خلاقیت در سازمان‌های آموزشی..... ۱۹
- مغز خلق..... ۲۰
- چند نمونه از مدارس بدیع و خلاق در جهان..... ۲۲
- نقش تدریس هنر در پرورش خلاقیت دانش‌آموزان..... ۲۳
- مدارس اجتماعی، بستر پرورش خلاقیت..... ۲۴
- دیدگاه‌هایی درباره‌ی خلاقیت..... ۲۸
- چای با طعم نظریه..... ۳۰
- معرفی کتاب..... ۳۳
- ۳۴
- ۳۶



نویسنده: مژده نادری



هر کودک دانشمندی کوچک است!

آیا علاقه‌مندید که کودکان به بالاترین بخش خلاقیت خود برسند؟

راه‌های رسیدن به خلاقیت بسیار پیچیده و تاریک است ولی با چند نشانه و علامت می‌توانیم آن را بیابیم.

آلن آکلا بازیگر و کارگردان آمریکایی: خلاقیت جایی است که هیچ کس دیگری تا به حال پای نگذاشته. برای کشف خود و یافتن هر چیز فوق‌العاده‌ایی به وسیله شهود، باید از شهر اسایش خود به بیابان‌های وحشی و ناشناخته مهاجرت کرد. خلاقیت قابلیت است که در همگان ما وجود دارد اما نیازمند تقویت و پرورش است تا به سرحد شکوفایی برسد.

خلاقیت یعنی چه: ارتباط بین چیزهایی که قبلاً ارتباط نداشتند، دیدن چیزها به شیوه جدید و متفاوت.

فرد خلاق چه کسی است؟

کسی که از ذهن جستوجوگر و آفریننده برخوردار است. کودکان در کنار تجربه‌های بزرگ و مهم بزرگترها می‌توانند رشد کنند و همه آنچه به عنوان ایده و فکر مثبت است عملی بکنند.

اگر کودک با آموزش‌های ساده و در سن مناسب به توانمندی‌های مناسب برسد، قادر خواهد بود در آینده فرد موفق بشود.

#کنجکاو_سوال_کردن_ابزار_قوی_تفکر_عقلانه_منطقی_است

فعالیت طراحی برای پرورش خلاقیت

گرد آورنده: فاطمه پناهی



کودک ۲ سال به بالا

طراحی آزاد روی کاغذ بزرگ:

گوشه‌های یک کاغذ بزرگ (بزرگتر از ۲۵ سانتی متر) سفید یا کاغذی با رنگ روشن را با چسب به سطحی بچسبانید (زیر آن چند ورقه روزنامه قرار دهید).

طراحی در خاک یا شن مرطوب:

این کار سرگرم کننده است اما آیا هنر به شمار می‌آید؟ کودک میتواند در زمین بازی یا ساحل طراحی کند. اگر حیاط دارید مقداری شن در گوشه حیاط در اختیار فرزند خود قرار دهید، این کار وقت گذرانی نیست. گرانترین فعالیت هنری در جهان نمیتواند با توده شن یا خاک رقابت کند و در عین حال هزینه‌ای نیز برای این کار صرف نمی‌کند این توده شن هدیه‌ای است که معنای خاص دارد.

کودک ۳ سال به بالا

آلبوم:

یک دفتر تهیه کنید که کودک بتواند در هر برگه‌ی آن نقاشی کند و تصاویر دلخواه خود را در آن بچسباند و حتی جلوی آن را هم تزئین کند. بعضی از کودکان دوست دارند آلبوم آن‌ها موضوع خاصی را داشته باشد. مثل؛ حیوانات، وسایل نقلیه، چیزهای ترسناک و....

کتاب‌های کوچک:

مقداری کاغذ را به صورت نوارهای باریک بریده و آن‌ها را با منگنه به هم وصل کنید و برای جلد هم تکه مقوایی قرار دهید. و برای نوشتن محتوای کتاب از ماژیک استفاده کنید. پس از پرسیدن این سوال از کودک که آیا مایل هست حرف‌هایش را بنویسیم یا نه، به نوشتن می‌پردازیم و آثار و داستان‌های کودک را در آن کتاب می‌نویسیم. حتما هنگام نوشتن تاریخ آن روز را ثبت کنید. این کتاب کوچک گنجینه بزرگی برای سال‌های بعد است.

مالش مدادشمعی:

کاغذ یا روزنامه‌ی نازکی را انتخاب کنید، ابتدا کودک کاغذ را روی سطح برگ یا سکه‌ای قرار می‌دهد، سپس مدادشمعی را روی سطح آن می‌کشد؛ بدین ترتیب طرح برگ و سکه روی برگه ثبت می‌شود.

مقاومت در برابر مدادشمعی:

روغن و آب ترکیب نمی‌شوند. کودک با استفاده از مقوای سبک پوستر این کار را انجام دهد. هر نوع مدادشمعی برای این کار مناسب است اما مدادشمعی براق با رنگ تیره بهتر است. کودک هر طرحی را که دوست دارد می‌کشد. سپس لایه نازکی از رنگ را روی سطحی که مدادشمعی بر آن کشیده قرار می‌دهد. برای این کار می‌توانند از رنگ تمپرای رقیق استفاده کنند (اگر کودک می‌خواهد از تمپرای استفاده کند، باید آن را با آب رقیق کند تا بیشتر شبیه آب‌رنگ شود). اگر از آب‌رنگ استفاده می‌کند به او کمک کنید. آن را در یک ظرف کوچک ترکیب کند تا بتواند به سرعت روی تصویر بکشد. رنگ‌های مدادشمعی در مقابل رنگ تیره جان می‌گیرد.

حک کردن در مدادشمعی:

این پروژه شبیه به مقاومت مدادشمعی است، تکه مقوای پوستر سبک به طول و عرض کمتر از ۱۵ سانتی متر ببرید. یک برگ روزنامه زیر مقوا بگذارید. کودک باید تمام سطح مقوا مدادشمعی (رنگ‌های مورد علاقه کودک) بکشد اما لبه‌ها را بدون رنگ بگذارد. ذره‌های مدادشمعی را پاک کنید و رنگتان را آماده کنید. این بار چند قطره مایع پاک‌کننده به آن اضافه کنید، این کار باعث می‌شود رنگ روی مدادشمعی را ببوشاند. کودک منتظر می‌ماند تا رنگ خشک شود. یک گیره کاغذ را باز کنید به کودک بدهید تا هرکاری دوست دارد بکشد. این کار نوعی حکاکی است.

طراحی با پاستل روغنی:

بچه‌های ۴ یا ۵ ساله به راحتی می‌توانند از این استفاده کنند. این پاستل‌ها تقریباً شبیه رنگ و روغن هستند و در رنگ‌های شاد موجود می‌باشند. کوچکترین بسته‌ی پاستل روغنی ممکن را بخرید کودک می‌تواند پاستل‌های روغنی را روی مقوای سیاه یا هر رنگ تیره‌ای به کاربرد.

تشویق به ادامه خلاقیت:

طراحی هنوز در قلب کودک ۶ تا ۱۰ ساله جای دارد. منظور از طراحی، طراحی آزاد است. و تنها کاری که باید انجام گیرد تهیه لوازم است.

کودک را تشویق کنید هرچه بیشتر طراحی کند:

اصرار نکنید که روی هر دو طرف کاغذ طراحی کند چون کودک حس میکند که اگر روی طرف دوم نقاشی کند نقاشی طرف اولش باید کنار گذاشته شود.

کتاب برگردان:

کوچکترین و ارزاترین بسته‌های یادداشت بدون خط را بخرید. کودک از پشت کتابچه شروع می‌کند و به جلو می‌آید. باید برای شروع با یک رنگ کار کند. نشانه را به آرامی از یک صفحه به صفحه‌ی بعد حرکت می‌دهد. پس از پایان کار وقتی کتابچه را ورق می‌زند، شکل کارتونی به حرکت در می‌آید لزومی ندارد کودک برای کتاب برگردان خود از تصاویر پلنگ‌صورتی یا میکی‌موس استفاده کند، او می‌تواند از نشانه‌های ساده مثل یک نقطه هم شروع کند و آن را به حرکت در آورد.

علامت چراغ نشون:

کودک می‌تواند علامت‌هایی مثل "اتاق من"، "خوش آمدید" و "لطفا در بزنید" را نوشته و آن را تزیین کرده و روی در اتاقش نصب کند.

پوستر عامیانه (مردم‌پسند):

این کار پروژه‌ی پیشرفته‌تری نسبت به آثار دیگر است و واقعا یک پروژه‌ی نقاشی است

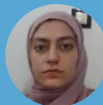
دیوار نوشته:

آرام باشید! فقط نام این پروژه «دیوار نوشته» است. یک تخته سه‌لایه‌ای را رنگ سفید زده و صبر کنید تا خشک شود و تخته را در گوشه اتاق قرار دهید و با ماژیک یا چسب رنگی اجازه دهید کودکان روی آنها حروف بنویسند.



روش‌های پاسخ‌دهی پرسشهای کودکان

last seen at 20:40



گرد آورنده: سعیده هژبری

December 7

برای پاسخ دادن روش‌های مناسب و نامناسب
مختلفی وجود دارد:

21:03 ✓

۱. بی توجهی 😐 یا سرزنش 😡 (بدترین و
متأسفانه رایج‌ترین کار) 😞😞

21:05 ✓

۲. یک جواب کوتاه 🙅 (مفید ولی کم اثر) 😞

21:07 ✓

۳. گفتگو 🗣️ و راهنمایی 🚦 برای رسیدن به جواب
توسط کودک 🧒 (موثر) 👉

21:11 ✓

۴. گفتگو 🗣️ و تحقیق 🕵️ مشترک برای یافتن
جواب‌ها (خیلی موثر) 🙌👏

21:14 ✓



Message





سازمان خلاق

گرد آورنده: مژده نادری



ویژگی‌ها ✓

سرعت تغییرات و تحولات از حدتصور فراتر رفته به گونه‌ای که خلاقیت به عنوان اصل اساسی از عوامل مهم بقای سازمان‌های جوان پذیرفته شده است. کشورهای پیشرفته برآموزش خلاقیت تاکید بسیاردارند و دراین راستا، درانتخاب افرادخلاق توجه خاص دارند. مدیران برای اینکه به سازمان کمک کنند تاب تواننداز خلاقیت به بهترین نحو استفاده کرده و از تقویت و تاثیر این فرایند آگاهی داشته باشند.

فرایندخلاقیت درسازمان سه مرحله دارد: دادن نظر یا عقیده تازه، حل مسئله و جامه عمل پوشانیدن به نظرجدید

سازمان موجود زنده‌ای است که به دنیا می‌آید، رشد می‌کند، پیرمی‌شود و دیر یا زود می‌میرد.

افرادخلاق در زمان تولد سازمان حضور دارند و معمولا شاهد گذرانیدن مراحل اصلی از حیات سازمان می‌باشند.

✓ تقویت خلاقیت

۱. در سازمان وضعی را به وجود آورید که افراد پدیده‌ی تغییر را بپذیرند.
۲. نظرات و عقاید جدید را تقویت کنید.
۳. اجازه دهید اعضا گاهی روابط متقابل داشته باشند.
۴. در برابر شکست‌ها شکمپا باشید.
۵. هدف‌ها را به صورت مشخص تعیین کنید
۶. برای افراد خلاق و سخت کوش ارزش قائل شوید.

✓ تشویق خلاقیت

۱. جریان آزاد و روان اطلاعات.
۲. تماس‌های فراوان و تنگاتنگ ممکن باشد.
۳. روش انجام کارها تیمی است.
۴. مدیران ارشد به خلاقیت دل‌بستگی دارند.
۵. وجود مدیران توانا و علاقه‌مند به بهره‌گیری از فرصت‌های مناسب.

✓ چهار نوع سازمان داریم

۱. سازمان‌هایی که به توسعه و تغییرات محیط توجه بسیار داشته و از جهت خلاقیت هم در حدبالا قرار دارند.
۲. سازمان‌هایی که از جهت توجه به امر توسعه و تغییر و خلاقیت ضعیف می‌باشند، این سازمان‌ها سستی و محافظه‌کار باقی می‌مانند و خلاق نمی‌شوند.
۳. توجه به توسعه و تغییر دارند اما چون خلاق نیستند دست به تقلید از محیط زده‌اند.
۴. سازمان‌های بسیار خلاق هستند که تاکید چندان بر توسعه و تغییر ندارند و چون نیازی به خلاقیت عملی نمی‌بینند از خلاقیت غفلت نمی‌ورزند و ایده‌های آنان کاربردی نمی‌شود.



منبع: آیین خلاقیت ونوآوری - قربان بهی - زمستان

۱۳۸۷، ص ۱۰۷-۱۱۶



نویسنده: دکتر حامد صفایی پور



اندیشمندان خلاق در ۱۸ سالگی چه می کنند؟

روش «پرورش فکری» اندیشمند خلاق - کسی که توان حل دست کم یکی از مشکلات کشورش را دارد- چگونه است؟ یک پژوهشگر چگونه می تواند مسیر مطالعات و کاوش های خود را از زمان شروع تحصیل طی کند تا به تدریج، تقریباً در یک زمان ۱۰ ساله توان پرداخت عمیق به یک مساله را داشته باشد. در این نوشته ایده هایی کوتاه و اولیه را به این پرسش ارائه می کنم.

مهم ترین مولفه در طی این مسیر، مولفه خوش فکری (قوه نقادی و قوه خلاقیت) دانش پژوه است. دارنده درک دکترا (و نه تنها مدرک) کسی است که توانایی طرح و پاسخ جویی روشمند یک مساله (نه موضوع) را داشته باشد. رسیدن به این سطح در یک نگاه اولیه، از دوره ابتدایی و پیش از آن شروع می شود. روش مواجهه با نقاشی کودکی که قرار است روزی فردی فرهیخته، حق طلب، کاوشگر و (شاید) مصلح اجتماعی بشود با کودکی که تنها «آجری در دیوار تکرارها» پنداشته می شود، متفاوت است. ما برای سهولت از همه اهمیت و حساسیت های دوران کودکی و نوجوانی می گذریم و اولین نقطه بررسی خود را دوره کارشناسی قرار می دهیم.

برای این هدف، مطالعه کتاب های درآمذگونه (Introduction Book) از جهت محتوا، و کسب مهارت های «تفکر تحقیقی» (مهارت های فکری پژوهش) از مهم ترین اهداف دوره کارشناسی است. یک دانشجوی کارشناسی لازم است با خواندن آثار درآمذگونه بسیار، به دیدی ۳۶۰ درجه برسد. بر این مبنا، دلیل ۱۲۰ واحد درسی دوره کارشناسی این است که دیدی همه جانبه به پژوهشگر جوان بدهد، تا ترکیب گر خوبی باشد و در مسیر پژوهش های آتی از هم نشینی رویکردها، روش ها و موضوعات متنوعی ایده آفرینی کند.

اما کتاب های درآمذگونه چه خصوصیتی دارند؟ این کتاب ها نوع خاص، مشهور و استانداردسازی شده ای از انواع کتاب ها هستند؛ کتاب هایی ساده اما نه سطحی، دقیق اما نه پیچیده، جامع نگر اما نه تخصصی، بدون پیش نیاز، چشم گشا و ارائه کننده یک

تصویر متقارن و بدون جهت گیری شخصی در موضوع. کارکرد اصلی این کتاب ها ارائه تصویر بزرگ و ساختاری از موضوع است. توجه به این نکته برای دانشجو و استاد دوره کارشناسی پیامدهایی به همراه دارد. استاد لازم است به این نکته توجه کند که از یک درس درآمده گونه انتظارات یک درس تخصصی را نداشته باشد؛ به الهام بخشی فکر کند؛ ذائقه بیافریند و ارائه تصویری کلی، متقارن و منصفانه از موضوع را مهم ترین هدف خود بداند. دانشجو نیز باید با این دید به درس ها نگاه کند و تلاش کند پرسش های اصلی هر حوزه را درک کند و صرفاً حافظه خود را با اطلاعات پر نکند. پرسشگر و نسبت یاب باشد و مواظبت کند تا در انبوه این اطلاعات گم نشود. بر این مبنا (به نظر من) ارائه درس های تخصصی زبان عربی به طلاب جوان، در طی سه سال اولیه تحصیل غلط است؛ اینکه طلبه از علم صرف و نحو چیزهایی «حفظ» کند که عرب زبان آنها را یک بار هم نشنیده است از فلسفه برنامه درسی سنجیده ای نشأت نمی گیرد.

دومین مولفه، کسب توانایی های کاوش و پژوهش است. اطلاعات موجود در هر زمینه به قدری زیادند که عمر طبیعی هیچ یک از ما برای دانستن آنها کفاف نمی دهد. ما اِدا نمی توانیم بر مبنای میزان اطلاعات فرد، مسیر آموزش او را بسنجیم؛ آنچه مهم است پرورش روحیه تحقیقاتی و مهارت تحقیق است. شعار من این است: «مهم نیست ندانیم، مهم این است که بتوانیم بدانیم.» توانایی دانستن، همان مهارت تحقیق است.

در تفکر تحقیقی توانایی یافتن منابع، توانایی جست و جو، توانایی استفاده از دانش نامه ها، توانایی پاراگراف (بند) نویسی، توانایی توسعه و به اشتراک گذاری ایده ها، توانایی گفت و گو، مباحثه و مناظره برخی از مهم ترین توانایی های لازم برای تربیت دراز مدت یک متفکر و پژوهنده است.

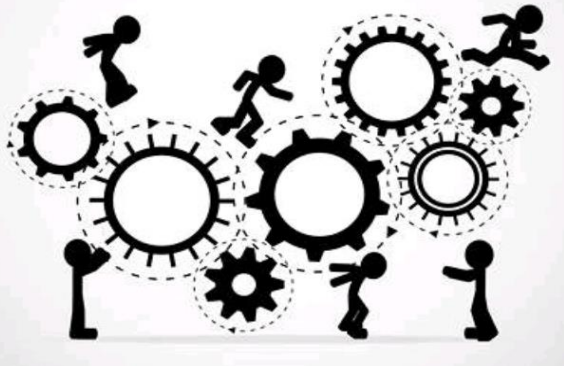
نگارنده تنها بر این مبنا توجهی برای ۱۲۰ واحد درسی و ۲۰ واحد عمومی در چهار سال اولیه دوره کارشناسی دانشگاه ها می یابد؛ با این توضیح که لازم است دست کم درصد قابل توجهی از این واحدها معطوف به «روش ها» و پرورش مهارت «تصرف در متن» کتاب های درسی باشد. گمان نمی کنم امروزه حتی ۱۰ درصد از واحدهای درسی دوره کارشناسی این هدف را ارضا کند. ایده کانونی نگارنده در این امر این است که با چنین تغییراتی در روش برنامه درسی دانشگاه ها رخ می دهد و دانشجو خود باید این مسیر آینده نگر را برای کسب مهارت های تفکر تحقیقی کسب کند.



گرد آورنده: فاطمه پناهی

بعضی از قوانین تقویت خلاقیت در کودکان

- ✓ الگو باشید، به جای آن که همیشه بگویید (نمی‌توانم حتی یک خط راست بکشم بگویید عاشق آن هستم که چیزهایی را خلق کنم).
- ✓ برای آثار کودکان ارزش قابل شویم و به جای قراردادن آن‌ها روی یخچال با آهن‌ربا، آن‌ها را قاب کرده و جای خالی نصب کنیم.
- ✓ به کودک نشان دهید آثار آن‌ها برای شما مهم است و به کودک یاددهیم که کپی کردن، رنگ کردن و دنبال کردن کاربرگسالان، کار خلاقانه‌ای نیست.
- ✓ دلیل دوست داشتن آثار کودک را واضح بگوییم. تنها گفتن کلمه «دوستش دارم» کافی نیست.
- ✓ همراه کودکان به تماشای نگارخانه یا موزه بروید و بدون نگرانی از اینکه هرچه کودک میگوید صحیح است یا نه، اجازه دهید در مورد آن‌ها صحبت کند.
- ✓ یک کیف تهیه کنید و آثار کودکان را در آن قرار دهید؛ زیرا برای کودک ناراحت کننده است که در روز نظافت آثارش دور انداخته شود.



گرد آورنده: مؤده نادری



اقلیت خلاق

از نظر توبین بی: کسانی را که به پیشرفت تمدن فرهنگ جامعه‌شان کمک می‌کنند، اقلیت خلاق می‌نامند که بسیار هم محدودند. اما تاثیر این اقلیت‌ها به نسبت تعدادشان نیست، بلکه قدرت ابداع و خلاقیت آن‌ها تعیین کننده‌ی میزان نفوذشان در جامعه است.



اقلیت موظفند اکثریت غیرخلاق را اصلاح و پرورش داده، در پیشرفت تاریخ و فرهنگ جامعه‌شان بکوشند.

زمانی که اقلیت خلاق به صورت، اقلیت کنترل شده درآید جامعه به سوی نابودی و فنا می‌رود.

مسئولیت پیشرفت فرهنگ و تمدن جامعه و سوق دادن آن در جهت زوال و ویرانی بر عهده‌ی اقلیت خلاق است.

چنانچه در هر جامعه رهبران عهده‌دار مسئولیت‌هایشان باشند و خود را وقف وظایفشان کنند جامعه آنان هیچ‌گاه به واپس‌گرایی و زوال کشیده نخواهد شد.

چگونه می‌توان عضو اقلیت خلاق شد؟

فرصت‌طلب، تماشچی و شکست‌گرا نباشید. برای خلاقیت احتیاج دارید زمان‌هایی به طور ارادی، ذهن خود را به حالت خنثی، بی‌حال یا انفعالی و کنش‌پذیر قرار دهیم، برعکس سایر اوقات که ذهن در حالت فعال یا اثرگذار است.



فشار ایده اول



نویسنده: دکتر حامد صفایی پور

همه ما فکر می کنیم بسیار باهوشیم . فکر می کنیم که دیدگاه های صحیح و سنجیده ای داریم. اصلا اگر این فکر را هم نکنیم؛ ذهن ما خصوصیتی دارد که اگر زمانی با یک موقعیت جدید روبرو شود آن را بر اساس تجربه های گذشته اش تفسیر می کند .

بطور مثال وارد یک مهمانی می شوید ، شخصی در آن مهمانی هست که قبلا در مهمانی دیگری او را دیده اید و آن مهمانی به شما خوش نگذشته است ؛ ایده ی اول در این باره چیست ؟ مطمئنا فکر می کنید که در این مهمانی هم به شما خوش نخواهد گذشت ! این ایده مسئله را دوقطبی می کند؛ یا به شما خوش می گذرد یا به شما خوش نمی گذرد و این بستگی به وجود یا عدم وجود آن شخص دارد.

ممکن است شما یک مدیر ، یک معلم و یا حتی یک کارمند باشید که بطور مثال ده سال سابقه ی کار دارید ؛ ذهن شما تمایل دارد که مسئله ها را مانند مسئله های قبلی تصور کند و برای آن راه حل بیابد (البته امکان داشت این ذهن از کودکی جور دیگری تربیت شود که این اتفاق برایش رخ ندهد) چراکه ذهن ما خاصیت خود سازمان بخش(-self organization) دارد.

جمله ی شعارگونه "قضاوت نکن" اصلا امکان پذیر نیست ! شما با دیدن فردی در یک نگاه (با دیدن ویژگی های ظاهری اش)، درمورد او براساس تجربیات گذشته خود قضاوت

می‌کنید. آموزش و پرورش وقتی به معلمان می‌گوید : "امتحان بگیرید". همه ی آنها به یک شکل امتحان می‌گیرند چون تصور و ایده ی اول آنها دراین مورد به یک شکل است . اما در ارزیابی خلاق به معلم یاد می‌دهند که: " شما ۲۶۰ مدل میتوانید امتحان بگیرید".

البته خود این ۲۶۰ مدل هم می‌تواند خلاقیت ما را محدود کند چرا که تبدیل به ایده ی اول تا دویست و شصتم می‌شود و به ما اجازه ی خلق ایده ی دویست و شصت و یکم را نمی‌دهد.

بنظر شما مشکل کجاست ؟

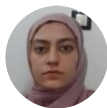
ما وقتی از خلاقیت صحبت می‌کنیم، مشکل اساسی ما، ذهنمان است؛ یعنی ذهن خودمان در جهان درون و ذهن دیگران در جهان بیرون . هرگاه ما می‌خواهیم به مسئله ای فکرکنیم مهمترین مسئله مان این است که از فشار ایده ی اول خلاص شویم اما این به این معنی نیست که ایده ی اول اشتباه است . بلکه حتی ممکن است بسیار بجا و سنجیده باشد ولی اگر به ایده ی اول اکتفا کنیم، مکانیزم خلاقیتی نیست .

برای اینکه خلاق باشیم باید چه کنیم؟

تکنیک های خلاقیت می‌خواهند الگوهای متقارن و شکل یافته ی ذهن ما را بشکنند. وقتی برخلاف عادت های روزانه عمل

می‌کنیم ، گویی به صورت مصنوعی مداخله می‌کنیم و به ذهنمان می‌گوییم این شکل هم به مسئله نگاه کند تا الگوهای متقارن ذهن ما بیشتر شود و امکان ایده پردازی بیشتری صورت بگیرد. اما اگر از کودکی تربیت ما بطور کل یک تربیت خلاق باشد؛ استعدادها، پتانسیل ها، مهارت ها و چالاکي ما برای تولید ایده های اول در زمان کمتر و به مقدار بیشتری بالا می‌رود ، چراکه ذهن ما حامل دوران زندگی ماست و این دوران زندگی می‌توانسته خلاق یا غیرخلاق و سنجیده یا نسنجیده باشد.

خلاقیت نیازمند تعهد دراز مدت ، عمق بیشتر و بازنگری مدام نسبت به اصل مسئله است.



❖ قصه و خلاقیت

از موثرترین روش‌های شفاهی و گفتگویی برای پرورش تفکر و خلاقیت فرزندان است.

از مزایای استفاده از قصه برای پرورش خلاقیت؛

- پرورش قدرت تفکر و خلاقیت افراد، از سنین مهدکودک تا بالاتر
- ایجاد علاقمندی به مطالعه و آموزش روش مطالعه علمی و فعال
- تمرین تخیل و تجسم، تمرکز فکر، تعقیب یک موضوع و فرآیند
- پرورش مهارت‌های شنیداری، گفتاری، درک مطلب و ادبیات
- آموزش غیرمستقیم رفتارهای مناسب فردی و اجتماعی و پایداری

تکنیک‌هایی برای پرورش خلاقیت توسط قصه و داستان:

تصویرسازی: کودک داستان صوتی یا کلامی را شنیده و تصویر تخیلی را در ذهن خود می‌سازد.

راه حل‌یابی: کودک را محل مشکلات قهرمان داستان را پیدا کند، راه حل‌یابی فردی و گروهی.

داستان‌سازی: کودک تصاویر داستان و یا قسمتی از آن را گرفته و داستانی را می‌سازد.



گرد آورنده: فاطمه کریمی

معمای خلاقیت (تفکر جانبی)

حکایت زیر توسط دوبونو تهیه شده است:

تاجری که مقداری پول به یک نرول خوار بدهکار است توافق می‌کند بدهی‌اش را بر اساس انتخاب دو سنگ (یکی سیاه و یکی سفید) از میان یک کیف پول بپردازد. اگر دخترش سنگ سفید را انتخاب کند بدهی متفی است؛ اگر سنگ سیاه را بردارد نرول خوار دختر تاجر را صاحب می‌شود. اما نرول خوار می‌خواهد با گذاشتن دو سنگ سیاه در کیف نتیجه را به نفع خودش تغییر دهد. دختر تاجر این را متوجه می‌شود و هنگامی که سنگ را از کیف بیرون می‌آورد بلافاصله آن را بروی زمین و در میان دیگر سنگها می‌اندازد. بعد اعلام می‌کند سنگی را که برداشته باید متضاد سنگی باشد که درون کیف است. نرول خوار که نمی‌خواهد پرده ی بی‌صداقتی از چهره‌اش کنار رود مجبور است با متفی بودن بدهی موافقت کند. دختر در اینجا با استفاده از تفکر جانبی یک مسئله ی لاینحل را حل کرده است.

منبع: خلاقیت و یادگیری راهبردها، ام. اش، حسن کرکی-مریم
ثناپی‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۸۱



نویسنده: سید محمد سیدکلان

امروزه رفتار نوآورانه فردی با متغیرهای پیشایندهی چون خلاقیت، ابتکار، و جو سازمانی بصورت یک مدل تئوریک توسط پژوهشگران تایید شده است. خلاقیت استعدادی بالقوه و همگانی محسوب می گردد که با شناخت عوامل مؤثر بر آن، می توان آن را پرورش و شکوفا کرد. از همه مهم تر می توان گفت که خلاقیت یک مهارت است و طی فرایندی شکل می گیرد و ناگهانی به دست نمی آید.

از خلاقیت تعاریف گوناگونی ارائه شده است. به عنوان مثال، خلاقیت ارائه یک فکر، رفتار و محصولی نو و بدیع و یا بکارگیری توانایی های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم جدید است و همچنین از آن می توان به کشف ناشناخته ها تعبیر نمود.

در کل، خلاقیت طی کردن راهی تازه یا پیمودن راه طی شده قبلی به شیوه‌ای نوین است. اما، آنچه در این نوشتار به دنبال آن هستیم مفهوم خودکارآمدی خلاق دانشجویان است، به ویژه دانشجویان علوم تربیتی و روانشناسی که قرار است در آینده به شغل شریف معلمی نایل شوند.

قبلا از رسیدن به مفهوم باید گفت که خودکارآمدی معلم اشاره به باورهای معلمان راجع به توانایی آنها در به ارمغان آوردن نتایج مطلوب آموزشی در کلاس درس می‌کند و خودکارآمدی ممکن است اشاره به محدوده خاص از فعالیت فردی باشد و یا ممکن است یک نظر کلی درخصوص قابلیت‌های فردی در مواجهه با حل مسئله باشد. با وجود این، خودکارآمدی خلاق (CSE) ظرفیت قضاوت ساخته شده فرد درباره عملکرد خویش است. چراکه، توانایی تفکر خلاق موهبتی است که بصورت بالقوه در انسان به ودیعه نهاده شده است، اما ظهور و شکوفایی آن مستلزم پرورش آن است.

بیجا تو نشان داده است که خودکارآمدی خلاق بوسیله جو کلاسی و فعالیت معلمان پشتیبانی می‌شود و ارتباط مثبت بین خودکارآمدی خلاق و جو کلاس و مدرسه وجود دارد. علاوه بر آن، کاروسکی نیز نشان داد که بین رهبری تحولی معلمان و خودکارآمدی خلاق فراگیران همبستگی وجود دارد، و ارتباط غیرمستقیم با انگیزش درونی و جو کلاسی آنها دارد. با این تصورات، باید اندیشید که خودکارآمدی خلاق دانشجویان در دانشگاه امری تصادفی نیست بلکه نه تنها جو نوآورانه دانشگاه بلکه می‌توان گفت که اساتید نیز در راهبری دانشجویان سهم بسزایی می‌توانند داشته باشند.

نوآوری نیز چیزی نیست جزء محصول خلاقیت و باید گفت نوآوری خلاقیت متجلی شده و مرحله عملی خلاقیت بوده است. در حقیقت نوآوری فرآیندی است که مفهوم جدید یا اندیشه و ایده تازه تولید شده به وسیله خلاقیت را به عمل تبدیل می‌کند. از این دیدگاه، فرد خلاق ممکن است نوآور نباشد؛ یعنی می‌تواند دارای ایده‌های جدید و نو باشد ولی توانایی تبدیل آنها را به نوآوری نداشته باشد. بنابراین، فرد نوآور بیشتر اوقات خلاق است، ولی همه افراد خلاق نوآور نیستند.

بنابر ملاحظات فوق، خلاقیت در حقیقت توان ارائه ایده جدید از بین ایده‌های مختلف است، اما نوآوری یک گام جلوتر از خلاقیت است و پیدایی محصول جدید از ایده‌های نو تلقی می‌گردد.

از نظر کانتر بین رفتار نوآورانه و خلاقیت رابطه وجود دارد یعنی خلاقیت است که نوآوری را به وجود می‌آورد و به عنوان یک مفهوم جدید، ابداع نامیده می‌شود چراکه، سطح فردی نوآوری با ایده‌های خلاق شروع شده و به سطح گروهی منتهی می‌گردد.

رفتار نوآورانه افراد با وظایف یا چالشی جدید، که فضای کاری را اثربخش یا متحول می‌سازد به وقوع می‌پیوندد، که این امر به یک جو سازمانی تحول برانگیز نیاز دارد. از این منظر رفتار نوآورانه دانشجویان در حل مسائل بوجود آمده، ایده جدید را عملی و در کل، انجام فعالیت‌های ابتکاری و نوآورانه را طلب خواهد کرد که سهم جو نوآورانه دانشگاه در بروز این رفتار بیشتر است.

با اینکه در سال‌های اخیر، بر تعداد جمعیت دانشجویان روز به روز افزوده می‌گردد و این امر یکی از شاخص‌های توسعه کشورها در دنیا محسوب می‌گردد، اما بیشتر دانشجویان جذب شده به جهت تغییر و نوآوری حاکم بر جامعه، کار سختی را متحمل می‌شوند. بنابراین، آنچه دانشگاه‌ها را می‌تواند بر مبنای جو آموزشی که مبتنی بر استقلال عمل، احترام، حمایت، آزادی، و نوآوری بسازد از طریق جو سازمانی نوآورانه حاکم خواهد بود. این نوع جو حاکم بر دانشگاه‌ها شرایط خاصی را می‌طلبد که سیاست‌گذاری‌های آموزشی نوآورانه از طریق مدیریت دانشگاه‌ها را الزامی می‌سازد، چراکه شیوه‌های سنتی مدیریت در چنین شرایطی، منجر به از بین رفتن حس ابداع و نوآوری در بین دانشجویان خواهد شد.

جو سازمانی نوآورانه از نظر تئوری پردازان مختلف بر متغیرهایی آزمون شده است این جو می‌تواند در ایجاد انگیزش برای دانشجویان، بهبود روحیه آن‌ها، مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها و همچنین در بالا بردن خلاقیت و نوآوری آن‌ها مؤثر واقع شود. از نظر باسو نیز، جو سازمانی نوآورانه، جوی است که در آن توانایی پذیرش یک عقیده یا رفتاری که برای صنعت، بازار یا محیط عمومی سازمان تازگی داشته باشد. از نظر میم و دیگران نیز جو سازمانی مبتکرانه و نوآورانه در ایجاد و حفظ یک جو سازمانی که تلاش‌های خلاقانه را رشد، و تسهیل کننده یادگیری باشد مؤثر دانسته‌اند. علاوه بر دیدگاه‌های موجود، مک موری هم در پژوهشی جو سازمانی پالش برانگیز را به عنوان عامل مهم در رفتار اعضای آن سازمان دانسته است.

بحث کوتاه:

با این تفاسیر، به لحاظ پیشرفت‌های شغلی و تکنولوژیکی در جامعه محوطه دانشگاه باید فرهنگ جو نوآورانه را از طریق راهبردهای خلاق به منظور رشد و یادگیری دانشجو-معلمان فراهم سازد و این امر به نوبه خود عامل رفتارهای نوآورانه را در دانشجو تقویت خواهد کرد. با وجود اینکه دانشجویان در آینده‌ای نه‌چندان وارد بازار کار خواهند شد جو نوآورانه سازمانی هم در دانشگاه می‌تواند با وجود کلیه موانع و محدودیت‌های آموزشی، خودکارآمدی خلاق و رفتار نوآورانه آن‌ها را وسعت بخشد و در درازمدت شاهد نسلی خلاق و نوآور، و همچنین نقاد گردید. ان شا ا...
بنابراین در آخر پیشنهاد می‌گردد:

تصمیم گیرندگان و دست اندرکاران اجرایی دانشگاه محقق اردبیلی شرایط و موقعیت جو نوآورانه را برای دانشجویان با تصمیم‌سازی در ساخت و اجرای دستورالعمل‌های اثربخش فراهم سازند تا بتوان شاهد خودکارآمدی خلاق و رفتار نوآورانه دانشجویان در دانشگاه گردیم.



قوانین پنجگانه سلامت کودک

۱. **قانون سوالات و اندیشه:** سوالات کودک نشانگر فعالیت فکری اوست.
۲. **قانون لذتها و تاثرات:** لذتها و تاثرات کودکی در ضمیر او نهادینه می‌شوند.
۳. **قانون آرزوهای بزرگ:** آرزوهای حقیر، افراد حقیر پرورش می‌دهد و آرزوهای بزرگ افراد بزرگ.
۴. **قانون مطالعات و مشاهدات:** مطالعات و مشاهدات، همانند ورودی به سیستم پرورشی کودک هستند، از یک ورودی غلط انتظار خروجی مناسب را نداشته باشید.
۵. **قانون توجه و تشویق تلاش‌ها:** توجه و تشویق تلاش‌های کودک مهم‌تر از نتایج آن است.





پرورش خلاقیت در کودکان

۱- برای فرزندان انتخاب‌های ساده، مانند این که چه چیزی برای شام بخورد یا تعطیلات آخر هفته کجا باشد، قرار دهید؛ این باعث می‌شود که آن‌ها به طور مستقل فکر کنند و یک جنبه مهم خلاقیت را به کار گیرند.

۲- وسایل لازم در محیط کودک خود را برای تحریک تخیل آن بکارگیرید؛ تهیه لوازم جور کردنی، پازل، کتاب و لوازم بازی شاید به نظر ما غیرمرتبط، می‌تواند به تشریح برنامه‌های خیال‌انگیز کودک کمک کند.

۳- فکر بکر و ناگهانی استفاده از وسایل موجود به شیوه‌های مختلف؛ به عنوان مثال، یک لوله مقوایی می‌تواند یک تلسکوپ، برج، یا فرد باشد. همگی ایده‌های فرزندان را تحسین کنید؛ او را به خاطر چنین تخیل بزرگی تحسین کنید.

۴- از کودکان سوال بپرسید تا درک خود را گسترش دهند و ایده‌هایشان را مطرح کنند؛ جواب‌هایشان را ارائه دهند و قضاوت شوند (صرفاً راهنمایی نمایید) سؤالاتی مانند:

اگر مردم بتوانند پرواز کنند چه می‌شود؟ اگر مردم در فضا زندگی کنند؟ اگر دلفین‌ها در زمین راه می‌رفتند چه می‌شد؟

فرزندان را در شناخت راه‌هایی برای بهبود چیزی مشارکت دهید؛ چگونه می‌توانیم اتاق نشیمن را سریع‌تر تمیز کنیم؟ چطور می‌توانیم آب را به گل بریزیم بدون هیچ‌گونه ریزش؟ چه کاری می‌توانیم انجام دهیم تا توپ را بالاتر ببریم؟

کتاب خواندن فرصتی عالی برای بروز خلاقیت کودک است. از داستان‌های نیمه‌تمام استفاده کنید. از فرزندان بپرسید چه چیزی ممکن است در ادامه این داستان رخ دهد یا چه اتفاقی ممکن است بیفتد؟

۵- با کودک بازی کنید؛ صحنه‌های دراماتیک، شادی‌آفرین و خاطره‌ساز تصنعی و به یاد ماندنی ایجاد کنید.

۶- آماده باشید برای بازی کثیف؛ در حالی که ممکن است به نظر برسد که فرزند شما در بازی به گل تبدیل شده است تا کار بیشتری برای شما انجام دهد، در واقع یک برد بزرگی است که با بازی، چنین چیزهایی آموخته می‌شود. قانون بزارید که باید بعد از بازی همه‌جا تمیز شود اگر انجام دهد دو راه انتخاب دارد یک بازی جدید به درد نخور یا ادامه بازی با گل. مسلماً بازی با گل را در مقابل تمیز کاری قبول خواهد کرد و این یک برد است برای مسئولیت پذیری.

۷- مشارکت در گفتن داستان؛ شروع یک داستان با کمک کودک را دنبال کنید. هر چند یک داستان احمقانه باشد ولی داستان با کودک باشد.

۸- حضور در مکان‌های عمومی؛ از مکان‌های جدید دیدن کنید. همراه با کودک به نمایشگاه‌ها و موزه‌های مختلف و طبیعت زیبا بروید، اجازه دهید او از نزدیک مکان‌های گوناگون را شناسایی کند.

۹- لمس اشیاء؛ اجازه دهید اشیاء را از نزدیک لمس کنند. علاوه بر مشاهده اشیاء لازم است کودک آن‌ها را لمس کند زیرا مشاهده شیء به تنهایی کنجکاو کودک را ارضا نمی‌کند.

۱۰- تغییر گاه و بی‌گاه مسیر خانه :کودک را همیشه از یک مسیر خاص به خانه نبرید. زمانی که با او بیرون می‌روید، هنگام برگشتن به خانه به او توضیح دهید که می‌خواهید از یک راه جدید به خانه بروید. او از این طریق دریابد برای رسیدن به یک هدف راه‌های مختلفی وجود دارد.



گرد آورنده: زهرا حسن زاده

قاتلین خلاقیت در سازمان‌های آموزشی



۱. رکود علمی نیروی انسانی: منابع انسانی که در واقع زیرساخت آموزش و پرورش هستند متاثر از وقایع و فراز و نشیب‌های اجتماعی و بعضی باورهای تحمیلی از سوی عوامل بیرونی، دچار نوعی بی‌انگیزگی و به دنبال آن رکود علمی گردیده‌اند که پیامدهای زیان‌بار و مخرب آن علاوه بر خود منبع برروی محصول هم اثر گذاشته و محصول آینده صرفاً با ارزش‌های کمی تربیت نموده، کمتر به کیفیت که در اینجا همان خلاقیت و مهارت‌های لازم است پرداخته می‌شود.
۲. دیدگاه سستی مدیران و معلمان
۳. فضای نامناسب
۴. محتوا محوری
۵. ارزش گذاری‌های قالبی و کمی
۶. انحراف مسیر ارزش‌یابی مستمر از اهداف تعریف شده

مقاله «خلاقیت در آموزش و پرورش» (تهدیدها و فرصت‌ها، اراندی راه‌حل‌های پیشنهادی)،
عبدالرحمن جرجانی (معاون آموزش و پرورش آق‌قلا)

مغز خلاق

اسطوره‌شناسی رایج می‌گوید خلاقیت موهبتی است که به افراد معمولی داده نمی‌شود. بنابراین افراد عادی به شخص خلاق با ترس آمیخته به احترام می‌نگرند، چرا که خود را فاقد درجاتی از نبوغ می‌بینند؛ به عبارتی دیگر با سقف با عظمت کلیسای واتیکان یا هیچی.

رمز و راز فعالیت مغز خلاق عبارت است از:

۱. درک فرآیند خلاقیت و مولفه‌های تشکیل دهنده‌اش و اینکه چگونه چهار روش شناخت در هر مرحله ایفای نقش می‌کنند.

۲. درک اینکه در هر مرحله چه عاملی مانع هر روش می‌شود.

۳. تعهد فرد نسبت به بالا بردن و ارتقا بخشیدن به آگاهی و عملکرد خلاق خود.

جهان تشکیل شده از افرادی که فعالانه خلاقیت خود را بکار می‌گیرند، افرادی که هر از چندگاهی بارقه‌هایی از خلاقیت در خود نشان می‌دهند و افرادی که هنوز پتانسیل خلاقیت خود را به کار نگرفته‌اند.

منبع: خلاقیت و یادگیری راهبردها، ام. اش. حسن کرکی-مریم
ثناپی زاده، ۱۳۹۱، ص ۵۸-۵۹

گرد آورنده: فاطمه کریمی



چند نمونه از مدارس بدیع و خلاق در جهان

گردآورنده: سلیم کاظمی



کودکان ذهنی باز و قدرتمند دارند، در خیال‌پردازی معرکه‌اند و اگر ابزار و دانش کافی در اختیارشان قرار بگیرد، می‌توانند دنیا را خیره کنند. این بار به سراغ مدارس رفته‌ایم، مدرسی که با طراحی‌های خاص یا متدهای آموزشی منحصر به فرد، دانش‌آموزان بهتری به جامعه تحویل می‌دهند.

مدرسه شناور در آب ماکوکو، نیجریه



چندین مقطع آموزشی را در یک کلاس جای می‌دهند. روی یک قایق یا بهتر است بگوییم ساختمانی کوچک و شناور بنا شده. این مدرسه سه طبقه با مساحت ۱۰۰ متر مربعی توسط شرکت NLE، بنیان‌هاینریش بول و سازمان ملل متحد طراحی و ساخته شده‌است که علاوه بر کلاس، زمین بازی و سرویس بهداشتی نیز دارد. به طور مجموع، هر سه طبقه می‌توانند تا ۱۰۰ دانش‌آموز را در خود جای دهند.

مدرسه Ørestad Gymnasium، دانمارک

اعتقادی به روش‌های سنتی تدریس ندارند. از همین رو، ۱۱۰۰ دانش‌آموز این دبیرستان، نیمی از زمان خود را در این محیط می‌گذرانند. مدیران و معلمان این مدرسه معتقدند با باز گذاشتن فضا می‌توانند دانش‌آموزان را به تفکری منعطف‌تر دعوت کرده و قدرت تفکر به آن‌ها بخشند. این فضای



پر نور، باز و راحت، دانش‌آموزان را از لحاظ ذهنی آماده و آرام نگه می‌دارد و برای مطالعه تشویق می‌کند. دانش‌آموزان به گروه‌های چند نفره تقسیم می‌شوند و با یکدیگر دروس را مطالعه می‌کنند، معلم‌ها نیز در هر مقطع درسی هستند تا به آن‌ها کمک کنند. دیوارها و قفسه‌های کتاب قابل جا به جا شدن هستند، بنابراین فضا متناسب خواسته آن‌ها تغییر می‌کند. مدرسه رویاهایتان را می‌بینید، اینطور نیست؟

Big Picture Learning، ایالات متحده آمریکا

مدلی که Big Picture Learning ارائه می‌دهد، دنیای تئوری و مهندسی را در هم می‌آمیزد. در مرحله اول، دانش‌آموزان شروع به مطالعه می‌کنند و یاد می‌گیرند که به چه چیزهایی علاقه دارند. سپس نوبت به کار کردن می‌رسد. استادها در بخش‌های مختلف حاضر هستند تا به دانش‌آموزان دیدگاهی از آینده



ارائه دهند و به آن‌ها کار کردن را نشان دهند. رادنی دیویس، یکی از مدیران مدرسه می‌گوید: «مهم‌ترین المان تحصیل در مدرسه Big Picture Learning آن است که دانش‌آموزان در دنیای واقعی یاد می‌گیرند». این سیستم در حال حاضر در ۵۵ مدرسه ارائه می‌شود. دانش‌آموزان بنا به علاقه خاص خود در هر حوزه‌ای، یک دوره انترنی بر می‌گزینند و وارد کار می‌شوند تا آن را از نزدیک لمس کنند.

پیش دبستان Egalia، سوئد



این مدرسه قوانین جنسیتی خاصی دارد. هیچ قاعده زبانی برای دو جنس زن و مرد در این مدرسه کاربرد ندارد و کسی کودکان را با حرف او She یا He صدا نمی‌زند. کودکان یا با اسم کوچکشان صدا می‌شوند و یا آن‌ها خطاب خواهند شد. البته این مسئله صرفاً در انحصار جنسیت نیست. همه‌ی کودکان یاد می‌گیرند که از هر لحاظ برابرند، جدا از آنکه چه دینی

دارند، چند سالشان است، کلاس پنجم هستند و به چه جنسی علاقه‌مندی دارند. اما به هرحال برابری جنسیتی و دست کم نگرفتن توانایی دختران در برابر پسران و همچنین زدودن اختلاف‌های نژادی بین سیاه‌پوستان و سفیدپوستان از اولویت‌های این مدرسه است.

AltSchool، ایالات متحده آمریکا

AltSchool همان مدرسه‌ای است که «ایلان ماسک» و دیگر نخبه‌های «سیلیکون ولی» برای فرزندان خود آرزو دارند. کودکان از همان ابتدا با وسایل الکترونیکی متعدد کار می‌کنند و مهارت‌های روز دنیا را به دست می‌آورند. موفقیت مدرسه طی یکی دو سالی که از عمر آن گذشته به قدری بوده که حالا شعبه‌های دیگری از آن در حال راه‌اندازی



است و کودکان و نوجوانان ۴ تا ۱۴ سال می‌توانند در آن به تحصیل بپردازند.

مدرسه فنی Sra Pou ، کامبودیا



این مدرسه توسط شرکت فنلاندی Rudanko + Kankkunen طراحی شده و تمام کودکان از هر سنی می‌توانند وارد مدرسه شده و کار و مهارتی جدید را یاد بگیرند. ساخت یک بنای مهندسی شده به مردم کامبودیا نشان داد که چگونه می‌توانند با مواد ساختمانی در دسترس‌شان بناهایی زیبا

و متقارن بسازند. دانش‌آموزان یا به عبارتی کارآموزان وقتی وارد کورس‌های این مدرسه می‌شوند بسیاری از فنون و هنرهای مختلف را فرا می‌گیرند که برای پیشرفت در حال توسعه بسیار موثر واقع می‌شود. زمانی هم که مدرسه تعطیل است، ساختمان نقش یک ساختمان مرکزی برای گردهمایی‌های سیاسی را دارد.

نه، در مدرسه استیو جابز همه‌ی کودکان آید به دست نیستند و اصلاً هم قرار نیست پیراهن مشکی و شلوار آبی را به عنوان لباس فرم تن کنند. فلسفه نامگذاری استیو جابز به خاطر سیستم آموزشی خاص مدرسه است. در واقع مدارس استیو جابز به کودکان اجازه می‌دهند تا راه خود را پیموده و هر چه که دوست دارند را پیش بگیرند. در مدرسه استیو جابز هیچ کودکی همانند یک کودک دیگر کار نمی‌کند و هر کس مسیر خود را در پیش می‌گیرد.



مدرسه Brightworks، ایالات متحده آمریکا



Gever Tulley در سال ۲۰۱۱ یک سنت شکنی اساسی کرد. اگر پدر و مادرها با آتش بازی مخالفت، اگر نمی‌گذارند کودک ۷ ساله‌شان دست به قیچی و چاقو بزنند، در این مدرسه همه چیز برعکس است. آن‌ها در این مدرسه هنرمندان و زبردستانی واقعی را تربیت می‌کنند و از همه سو آن‌ها را باهوش و استعداد بار می‌آورند. به آن‌ها پازل‌های واقعی می‌دهند و در محیطی قرار می‌گیرند که بدون استفاده از مهارت‌هایشان کاری نمی‌توانند از پیش ببرند.



نقش تدریس هنر در پرورش خلاقیت دانش‌آموزان



نویسنده: دکتر علی رضایی شریف

در دهه ۱۹۵۰ میلادی مغرب زمین شاهد شکل‌گیری یک موج علمی با هدف شناخت و پرورش خلاقیت بود و از همان زمان نخستین تحقیقات بنیادین و هدف‌دار در زمینه خلاقیت آغاز شد. امروزه جوامع بشری به دلیل تحلیل منابع طبیعی، وابستگی متقابل میان کشورها و سرعت فزاینده تغییرات نیاز به پرورش خلاقیت را بیشتر احساس می‌کنند (تورنس، ۱۳۷۲). در واقع تمام علوم و فنون و هنرها و به طور کلی همه تمدن انسان محصول خلاقیت است و در این خصوص خلاقیت نقش تکوینی و تکاملی دارد. خلاقیت موتور حرکت و عامل رشد و تکامل تمدن است.

بنابراین می‌توان گفت هرچند توانایی تفکر خلاق به طور بالقوه و به نحو فطری در انسان به ودیعه نهاده شده‌است، اما ظهور آن مستلزم پرورش آن است (حسینی، ۱۳۸۳). رانکو (۲۰۰۴) نیز بعد از سال‌ها تحقیق و بررسی در مورد خلاقیت به این نتیجه رسید که تنها عوامل فردی در بروز خلاقیت دخیل نیستند بلکه عوامل بیرونی و مرتبط با پرورش خلاقیت مثل خانواده، مدرسه و فرهنگ جامعه در شکوفایی آن نقش دارند (به نقل از وانگ، ۲۰۰۷).

لافتینگ (۲۰۰۰)

به بررسی اثر آموزش هنر بر تفکر خلاق، پیشرفت تحصیلی و عملکرد و منش هنری پرداخت. در این پژوهش تأثیر رویکرد آموزشی SPECTRA بر موارد مذکور سنجیده شد. این رویکرد برای برنامه درسی هنر جایگاهی همانند دروسی مثل ریاضی، زبان، ادبیات و علوم در نظر می‌گیرد و آن را در هسته برنامه درسی قرار می‌دهد. لافتینگ در این مطالعه به مقایسه دو مدرسه از دو ناحیه مختلف پرداخت که یکی از آنها رویکرد SPECTRA را به کار بسته بود و دیگری به شیوه عادی و رایج ادامه داده بود. در مدرسه نوع اول از معلمان هنر متخصص در زمینه هنر استفاده می‌شد، امکانات هنری مناسبی در آن وجود داشت و فضاهای مخصوصی برای آموزش هنر در نظر گرفته شده بود. لافتینگ نتیجه‌گیری کرد که اگر هنر در هسته برنامه درسی و فعالیت‌های مدرسه قرار گیرد، علاوه بر اینکه به یادگیری دروس دیگری مثل ریاضی، زبان، علوم و... کمک می‌کند، به افزایش خلاقیت دانش‌آموزان نیز منجر می‌شود.

کاندا و دانیل (۲۰۰۵)

مطالعه‌ای را با تمرکز بر تحلیل چگونگی نقش هنرهای بصری در پرورش تفکر خلاق و تفکر انتقادی دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی ترتیب دادند. این محققان نتیجه گرفتند که آموزش هنرهای بصری به دلیل ماهیت و محتوای آن تأثیر مثبتی بر پرورش خلاقیت و تفکر انتقادی دانش‌آموزان دارد. در این پژوهش اشاره شده‌است که هنرهای بصری از طریق درگیر کردن دانش‌آموزان با مواد و اشیاء ملموس و افزایش انگیزه یادگیری، تشریک مساعی دانش‌آموزان در یادگیری و افزایش تمرکز بر فعالیت‌های در حال انجام به افزایش خلاقیت آنان منجر می‌شود.

بورک وینی (۲۰۰۷)

در رساله دکتری خود به بررسی اثر آموزش هنرها بر خلاقیت و پیشرفت تحصیلی پرداخته است. این پژوهش به مقایسه دانش‌آموزان سال پنجم از دو مدرسه‌ای که وجه تمایز آن‌ها فعالیت‌های هنری گسترده و محدود بود، پرداخت. آزمون خلاقیت تورنس و پرسشنامه مفهوم خود نیز برای اندازه‌گیری مؤلفه‌های مورد نظر به کار رفتند. تحلیل داده‌ها نیز با روش ANCOVA انجام شد. این مطالعه نشان داد افرادی که در مدارس که آموزش‌ها و فعالیت‌های هنری گسترده‌ای را ارائه می‌دهند، تحصیل می‌کنند نسبت به گروه دیگر از پیشرفت تحصیلی بالاتری در دروس ریاضیات و خواندن برخوردارند. به علاوه خلاقیت و مفهوم خود گروه نخست بیشتر از گروه دوم گزارش شد.

پارکر (۲۰۰۸)

تأثیر آموزش هنرهای بصری را بر مهارت‌های تفکر خلاق دانش‌آموزان دبیرستان بررسی کرد. این پژوهش دارای دو گروه بود؛ گروهی درس «مروری بر مقدمات هنرهای بصری» و گروه دیگر درس «مقدمات موسیقی» در طول یک سال تحصیلی گذراندند. گروه دوم به

عنوان گروه کنترل هیچ آموزشی در زمینه هنرهای بصری دریافت نکرد. محقق مذکور کلاس‌های هنر دو دبیرستان را با هم ترکیب کرده و به طور تصادفی دو گروه از آن‌ها برای تدارک آزمایش انتخاب کرد. پیش‌آزمون و پس‌آزمون با استفاده از آزمون تورنس برای اندازه‌گیری خلاقیت دانش‌آموزان اجرا شد. نتایج این پژوهش نشان داد که گروهی که آموزش هنرهای بصری را دریافت کرده بودند از خلاقیت بالاتری نسبت به گروه کنترل برخوردار بودند.

مدارس اجتماعی، بستری پرورش خلاقیت

گردآورنده: فرشید اختیاری



مطلوبیت معماری و منظر مدرسه مبتنی بر تعامل سه عنصر کالبد مدرسه، برنامه درسی و تصورات کودکان است. کیفیت معماری و منظر مدرسه می‌تواند، مجالی برای تخیل‌پردازی کودک فراهم کرده، زمینه‌ساز شکل‌گیری یک مکان کودکانه و خلاق باشد. نظر به آنکه یکی از تحرک فیزیکی و رشد جسمانی است، می‌توان حیاط، «بازی»، مهم‌ترین فعالیت‌های کودک در مدرسه را بازی و تحرک فیزیکی دانست. این تلقی از منظر حیاط در پنج وجه تجربه، تحرک، جستجو و اکتشاف، تخیل و در نهایت خلاقیت برخوردار است. از آنجا که ارزیابی، تفسیر و تصویر کودک از محیط بر پایه امکانات عملکردی محیط و نه شکل آن صورت می‌گیرد، منظر حیاط بایستی «فعالیت محور» طراحی شود. از سوی دیگر، از آنجایی که تعریف مکان سه عامل کالبد، فعالیت و تصورات را در بر می‌گیرد، وارد کردن تصورات کودک به آنچه می‌تواند در حیاط و کلاس انجام دهد، زمینه‌ساز تبدیل مدرسه به یک مکان مطلوب را فراهم می‌کند. بدیهی است که معیارهای کلی طراحی مانند تامین راحتی، آسایش و سلامت کودک در این ارتباط اهمیتی خاص دارد. وجود تسهیلات و تجهیزات مناسب، تامین آسایش زیست-محیطی، ایمن‌سازی مدرسه در برابر آسیب‌های جسمانی و نیز امکان نظارت و مراقبت‌های مستقیم و غیرمستقیم در این ارتباط قابل ذکر است (غفوری، ۱۳۸۷). بر اساس مفاهیم گفته شده مهم‌ترین ویژگی‌های طراحانه که ناظر بر حصول خلاقیت در رفتارها و ادراکات کودکان در مدرسه خواهند بود را می‌توان به شرح زیر بر شمرد:

دسترس پذیری و نظم پذیری

رفتار کودک در فضاهای نفوذپذیر بسیار متغیر است و وی می‌تواند به سهولت و بدون گم شدن، حرکت کرده و ضمن کشف زوایای ناپیدای محیط، از محدوده‌های تعریف شده نیز خارج نشود. طراحی فضاهای آموزشی بسته به صورتی نفوذناپذیر و با راهروهای تاریک و خسته کننده، کودک را از سیر در فضا منصرف کرده و حساسیت محیطی وی را کاهش می‌دهد. کودک به فضاهایی نیازمند است که بتواند کار در حال انجام خود را به حالت ناتمام رها کرده و روز بعد آن را به سهولت از سر گیرد. وی نیازمند محیطی دسترس‌پذیر است که الهام‌بخش وی باشد.

خلاقیت تابع ساعت و زمان مشخصی نیست و کودکان نیازمند تداوم، تمرکز و آرامش هستند تا بهترین توان خود را به کار گیرند. این خصوصیات بایستی با نظم ترکیب شوند تا کودک آزادی عمل را با هرج و مرج اشتباه نگرفته و انضباط اجتماعی را عمیقاً درک نماید.

جذابیت و شگفت انگیزی

فضای مدرسه بایستی برای کودک برانگیزاننده و جذاب باشد. حد متعادلی از پیچیدگی، تازگی، طراوت، تنوع و هیجان در فضاهای سبز حیاط، ورودی بخش‌های مختلف، گذرهای پیاده و راه پله‌ها، ورودی و فضاهای باز ضروری است تا کودکان را پایبند اتفاقات محیط کند. در غیر اینصورت آنها محیط و فعالیت دیگری را که ممکن است متناسب با سن رشد نباشد ترجیح دهند. وجود مقداری ابهام، پیچیدگی و قابلیت جستجو و کشف تاثیر مطلوبی خواهد داشت. تحقیقات نشان می‌دهد که هر چه مقیاس فضا با کودک متناسب‌تر باشد، کیفیت فضا و تنوع بازی کودکان بیشتر می‌شود. محیط کودک‌گرا علاقه و توجه کودک را جلب کرده و موجب تنوع و جذابیت محیط می‌شود.

شایستگی و پاسخگویی

کودکان در جستجوی تعاملی موفقیت‌آمیز با محیط هستند تا از حضور در محیط احساس شایستگی نمایند. رشد خلاقیت کودکان در محیطی پاسخگو به نیازهای آنها امکان‌پذیر است. طراحی کلاس و فضای بازی انعطاف‌پذیر و با قابلیت تغییرپذیری عناصر و چیدمان، کودکان را به تجربه شناخت چیدمان و سازگارسازی محیط بر می‌انگیزد و این امر حس کنترل بر فضا را در کودک تقویت کرده، قدرت ترکیب و تجزیه را در وی بالا برده و تعامل گروهی آنها را به هم‌دیگر و دنیای پیرامونی را ممکن می‌سازد. احراز حس شایستگی محیطی غالباً بدون صرف هزینه کلان و از طریق مجموعه‌هایی از مواد و مصالح پیدا کردن، مستعمل، دور ریز یا باز یافتی قابل‌حصول است (اتیلسون، ۱۹۷۴)

آسایش و ایمنی

کودک به شدت نسبت به عوامل تهدید کننده محیطی حساسیت دارد. وی به شرطی در محیط فعالیت می‌کند که حواس وی در وضعیت متعادل و ایمن باشند. آلودگی صوتی،

آلاینده‌های هوا و عدم وجود قلمرو فیزیکی و روانی مطلوب و حس ازدحام مانع تعامل مطلوب کودک با محیط است. هر گونه تهدید ایمنی و امنیت که محل تعادل قوای محیطی و ذهنی کودک باشد مانع بروز استعدادها و خلاقه می‌شود. در حالی که محیط‌های بزرگ کودکان را به جابه‌جایی و دیدن فرا می‌خوانند، محیط‌های کوچک‌تر برانگیزنده تمرکز و توجه و دقت هستند. در محیط‌هایی که فعالیت متعدد انجام می‌شود بایستی محدوده‌ها و عرصه‌های متمایز و قابل تشخیص وجود داشته باشد. ورودی‌های بزرگ و فضاهای عمومی وسیع مطلوب کودکان نیست و آن‌ها در محیط و مقیاس خرد آسایش فیزیکی و آرامش روانی بیشتری دارند.

طبیعت گرایی و منظره پردازی

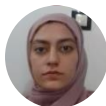
طبیعت برای کودک احساس بی‌زمانی و بی‌مکانی به وجود می‌آورد. درک کودکان از طبیعت با درک فضاهای داخلی به کلی متفاوت است. هیچ وسیله کمک آموزشی نمی‌تواند تمرکزی مانند مشاهده تالو خورشید میان درختان، جمع شدن مورچه‌ها در ورودی لانه یا دیدن زیبایی یک گل، در کودک ایجاد کند. این مناظر به کودکان امکان می‌دهد تا محیط را دست‌خوش تغییر کند، آن را کشف کند و به احساس شگفتی دست یابد. این مناظر کودکان را به بازی غنی و پیچیده تشویق می‌کنند و گستره وسیعی از فرصت‌های یادگیری را به آن‌ها ارائه می‌دهند. احیای توانایی یادگیری در یک محیط طبیعی با استفاده از جستجو، اکتشاف و قدرت تخیل حق طبیعی کودکان است. مدرسه باید زمینه‌ساز برای تجربه زندگی، اکتشاف و تغییر محیط باشد و امکان بازی در نقش‌های تخیلی را فراهم آورد تا کودک تخیل خود را برای گسترش ساختارهای آن به کار گیرد. فضاهای بسیار منظم و با ساختار بسته خلاقیت کودک را محدود کرده و در درازمدت احساس کسالت به وجود می‌آورند.

مشارکت و بازی پذیری

بازی به عنوان یکی از بسترهای رشد و بالندگی جسم و روان و حتی ذهن کودکان شناخته می‌شود و بیانیته‌های یونسکو تأکید دارند که فضاهای بازی می‌توانند نیازهای رشد کودکان را در تمامی زمینه‌های رشد جسمی، ادراکی، اجتماعی و احساسی برآورده نمایند (کوردی کل ۱؛ اکرمی، ۱۳۸۳). برای کودکان، فرایند تعامل با محیط نسبت به کسب نتیجه اهمیت بیشتری دارد و حصول نتیجه‌های خاص کمتر مورد توجه آن‌ها است. بنابراین فضای کالبدی مدرسه باید نشان دهنده تأیید و تشویق عمل خلاق کودک و پذیرش آزمون و خطا، اشتباهات و آزادی عمل باشد. راه حل اساسی در طراحی مدرسه خلاق، توجه به بازی در برنامه درسی است. با استناد به نظریات مشارکت در فرایند طراحی، ورود کودکان به فرایند طراحی و شکل‌دهی فضاهای مدرسه و تعامل آنان با مدیریت مدرسه می‌تواند در خلق فضای مناسب مؤثر باشد. بدیهی است که مشارکت آگاهانه و علاقمندانه کودک در خلق و مدیریت فضاهای مدرسه خلاقیت آن‌ها را در تمام ابعاد بر می‌انگیزد و خود به ایجاد محیطی خلاق منجر می‌شود.



دیدگاه‌هایی درباره‌ی خلاقیت



گرد آورنده: سعیده هژبری

نظریه‌ی جهان باستان: این نظریه بر این باور است که فرد خلاق از الهام خدایی برخوردار است.

خلاقیت به عنوان دیوانگی: افکار خلاقانه از دگرگونی‌های فکری که به وسیله آسیب‌های روانی ایجاد می‌شود نشأت می‌گیرد.

خلاقیت به عنوان نبوغ شهودی: پوانکاره در اواخر عمرش، کتاب خلاقانه‌ای در مورد فرآیندهای تفکر نوشت. او بر این اعتقاد بود که افکار خلاقانه از طریق ترکیب افکار مربوط به گذشته در ناخودآگاه و طی فرآیند تکوین پدید می‌آید.

خلاقیت به عنوان نیروی حیاتی: یکی از نتایج نظریه‌ی داروین این بود، که خلاقیت انسان، نمایانگر نیروی خلاق است که در ذرات خود زندگی نهفته است. هرچند ماده بی‌جان از نظر این دیدگاه، غیرخلاق است اما تکامل حیاتی اساسا خلاق می‌باشد؛ زیرا پیوسته انواع تازه‌ای از ذرات را به وجود می‌آورد.

خلاقیت به عنوان نیروی پنهانی: در این دیدگاه خلاقیت انسان به عنوان تجلی نیروی خلاق نهفته است و در تمامی موجودات نهاده شده است.

چای با طعم نظریه



گردآورنده: گلناج شریف نیا



نظریه سینکتیک

- واژه سینکتیک از واژه‌ی یونانی synectikos گرفته شده و به معنی «به هم نزدیک کردن» یا «بین چیزهای مختلف پیوند واحد ایجاد کردن» است.
- باک مینستر فولر جوهر، تفکر سینکتیک را اینگونه خلاصه کرده است: همه چیز را، صرف نظر از عدم شباهت‌هایشان، می‌توان تا حدودی به یکدیگر پیوند زد به صورت فیزیکی، روانشناختی یا نمادین.
- تفکر سینکتیک به فرآیند کشف پیوند و ارتباط‌هایی گفته می‌شود که عناصر به ظاهر غیرمرتبط را به هم پیوند می‌زند. در واقع روشی است که به صورت ذهنی چیزها را از یکدیگر مجزا و سپس آن‌ها را به هم وصل می‌کنید تا بینش جدیدی برای هر نوع مسئله‌ای خلق کنید.
- ویلیام گوردون سه اصل اساسی نظریه سینکتیک را مطرح کرده است:
۱. تفکر خلاق هنگامی بهبود می‌یابد که افراد از فرآیندهای روانشناختی کنترل رفتار خودآگاهی داشته باشند.
 ۲. بخش عاطفی احساسی رفتار خلاق مهم‌تر از بخش عقلانی آن است؛ یعنی بخش نامعقول از بخش معقول مهم‌تر است.
 ۳. بخش‌های احساسی و غیرعقلانی باید به عنوان ابزاری «دقیق» برای بالا بردن رفتار خلاق، درک و مورد استفاده واقع شوند.

۱. بینش سینکتیک

- سینکتیک توانایی زندگی کردن با پیچیدگی و تضاد ظاهری را تقویت می‌کند.
- سینکتیک تفکر خلاق را تحریک و ترغیب می‌کند.
- سینکتیک هر دو طرف مغز را به تحرک وادار می‌دارد.
- سینکتیک حالت های تفکر آزاد آگاهانه را فراهم می‌کند.

۲. مکانیزم های راه اندازی سینکتیک

- مکانیزم راه اندازی سینکتیک به افکار، ایده ها و اختراعات سرعت می‌بخشد.
- نظریه سینکتیک بر پایه تفکر از هم گسیخته استوار است.
- فرآیند خلاقیت یعنی دائما جداسازی و ترکیب، ترکیب و جداسازی در ابعاد گوناگون. ابعادی چون: تاثیر گذاری، مفهومی، ادراکی، ارادی و فیزیکی.
- ۳. روش های عمل کردن سینکتیک
 - سینکتیک بر پایه ترکیب متضادها بنا شده است.
 - سینکتیک بر پایه تفکر قیاسی بنا شده است.
 - سینکتیک خاصیت سینرژیک (هم نیرویابی) دارد. یعنی نتیجه ی عملکرد آن بزرگتر و بیشتر از حاصل جمع اجزاء آن است.

روش کار نظریه:

افکار و ایده ها در خلاء زاده نمی‌شوند. نخست آنکه باید مسئله ای را که با آن روبه رو هستید را شناسایی کنید و آن را روی کاغذ بنویسید. پس از آن، باید اطلاعاتی در این زمینه گردآوری کرده و با اطلاعات قبلی ذهن در هم آمیزید. حالا باید کاری انجام داد. با کمک پرسش های شلیک کننده و راه انداز عملی خلاقانه انجام دهید تا از این طریق ایده ها و اطلاعات به چیز جدیدی تغییر شکل دهند. این پرسش ها ابزاری برای تفکر تطوری و گشتاری محسوب می‌شوند و می‌توانند شما را به کشف های بزرگی رهنمون شوند.

منبع: خلاقیت و یادگیری راهبردها، ام. اش. حسن کرکی- مریم ثنائی زاده،
۱۳۹۱، ص ۵۴-۵۱

معرفی کتاب

در این قسمت می‌خواهیم در هر شماره ی نشریه مرتبط با موضوع یک کتاب معرفی کنیم تا با موضوع نشریه بیشتر درگیر شوید. از شما هم خواستاریم که کتاب را بخوانید و تحلیل و نظرتون رو درباره اش با ما در میان بگذارید.

حتماً به تنوع دیدگاه‌ها در هنگام یک گفتگو یا بحث توجه کرده‌اید. یک عده همیشه مخالفند، یک عده همیشه موافقت، یک عده ای دیگر بیش از اندازه رویایی فکر می‌کنند، یک عده منطقی و روی اصول فکر می‌کنند و یک عده ای دیگر فقط و فقط درگیر احساساتشان هستند.

اینکه کدام یک از این‌ها خوب است و کدام یکی از این‌ها بد، خیلی جواب مشخص و واضحی ندارد و اصلاً درست نیست که ما بگوییم این جواب درسته! این جواب غلط! و مهم این است که ما بتوانیم همی این انواع تفکر را داشته باشیم و بتوانیم به درستی آن را مدیریت کنیم؛ به این معنی که دقیقاً بدانیم:

چه افکار مثبتی وجود دارد؟

چه افکار منفی وجود دارد؟

چه دیدگاه‌های سازنده‌ای هست؟

چه دیدگاه‌های مخربی هست؟

منطق ما چه می‌گوید؟

احساس ما چه می‌گوید؟

همی این‌ها را اگر خوب و درست بدانیم می‌توانیم تصمیمات خیلی بهتری بگیریم بخاطر همین کتابی را که می‌خواهم به شما معرفی کنم، کتابی است که یک دیدگاه خیلی خیلی خوب به شما می‌دهد در مورد اینکه چطور اندیشه‌ها و فکرهای خودمان را می‌توانیم مدیریت کنیم؟

ادوارد دوبونو برای کسانی که تو زمینه خلاقیت کار کرده‌اند فرد بسیار معروفی است و یک کتابی دارد بنام:

شش کلاه تفکر



این کتاب می‌گوید زمانی که می‌خواهید یک بحث را بصورت گروهی یا تنهایی انجام بدهید باید هر شش کلاه را بر سرتان بگذارید. هر کدام از این کلاه‌ها باید بر سر شما قرار بگیرد و در آن لحظه فکر کنید.

به عنوان مثال کلاه قرمز فقط احساسات، حس بدون منطق، بدون دلیل و ... را با هم مطرح می‌کنیم.

ولی اگر توی شرکت شما، بین دوستانتان، در گروه تان یا حتی خودتان روش این کتاب متداول بشود اتفاق بسیار مبارکی است و باعث می‌شود ادبیات گفتگوی سازمانی شما تغییر کند. مثلاً یک همکار به شما می‌گوید که «الآن کلاه قرمز سرت است ولی فکر می‌کنم زمان کلاه قرمز نباشه» و دید بسیار عالی به شما می‌دهد.

بنابراین اگر می‌خواهید تفکرات خودتان رو تقویت کنید و یک دید خیلی کلی نسبت به هر موضوع داشته باشید حتماً توصیه می‌کنم کتاب شش کلاه تفکر را تهیه کنید.

امیدوارم از این کتاب لذت ببرید و با این کتاب کاری کنید که دنیای جدید جای بهتری برای زندگی کردن شود و بیشتر از یک نفر باشید...



دعوت به همکاری

مارا در شماره های بعدی همیاری کنید و گواهی همکاری
با انجمن دریافت کنید.
در صورت تمایل با آیدی های زیر در ارتباط باشید:

@krifa - @naderii1377

انتقادات و پیشنهادات خود را
بما در میان بگذارید و مارا در
بهبود شدن یاری کنید.

آیدی طراح - @krifa
آیدی سردبیر - @naderii1377